



امروز یا مولانا

داغه تویی دام تویی باده تویی تویی
این تن اگر کم تندی راه دلم کم زندی

پخته تویی خام تویی خام بگذار مرا
راه شدی تا نبیدی این همه گفتار مرا



یک خبر | یک نگاه

می‌سوزند تا بسازند؛ کاری کنیم

یک کارگر ساختمانی هنگام انجام کار در یک ساختمان ۶ طبقه در شرق تهران سقوط کرد و جان باخت. به گزارش ایلمنا، روز شنبه (۹ مهر)، یک کارگر ساختمانی به نام باغی - ع - هنگام کج کاری دیواره آسانسور در ساختمانی واقع در شرق تهران به دلیل رعایت‌نشدن اصول ایمنی تعادلی از ارتفاع دست داد و در طبقه ششم به ته چاله آسانسور سقوط کرد. جسد این کارگر ۲۷ ساله که در چاهک آسانسور افتاده بود، توسط گروه‌های امداد نجات به بیرون انتقال پیدا کرد. خبر بالا اتفاق جدیدی نیست. بارها شنیده شده



برش

رودخانه توی دشت می‌چرخد

احمداسماعیلپور |



روندخه باریک کاماسپ بود که توی دشت می‌چرخد و چون چندی پیش بود با چپه‌ها و حسین ایلدیز بود با رودخه همان جا که دو شاخه می‌شد و بین شاخه‌ها جزیره کوچکی سر بیرون آورده بود و بهرنگ اسرار داشت با شاخه‌ها خوش را به آن جا برساند جزیره کوچک بود شاید سه چهار متر حسین می‌گفت: پرسجان شامه‌ها خود چه چار قدم که برداری می‌رسی بهرنگ می‌گفت: بسین بسین باب

کت نیمدر قهوه‌ها به تنش زار می‌زد کج دیوار در خروج از ارتفاع و از آنجا همزستی مسالمت‌آمیز و مسوئله‌ها با رنگه بی تفاوتی و بدتر از آن فرقه‌ت‌سپار می‌پیکه‌ها پندمی‌شود

رسیده تا این جا و دستیار امی گذاشت جلوی سینه‌اش بیلندنی می‌کرد و نفس‌اش از سرمای آب حبس شده بود. سینا را دید که آن گوشه نشسته دارد از آن سینه‌بیلندنی همرافشان طعم می‌آورد و سر قلاب می‌زند.

چهار یقه‌ای برایش بگنجه و می‌زبانپاجولوه می‌کند و تبلیغ شعر آملر ساختمانی نیست برای راه جستن و باقین راه‌حل‌های منطقی، نیازمند محتوای تازه مهمی از این کهن‌هاستیم که با افزایش بودجه قدرت فرم لگنکلی بود که در همان حوالی بر مای شریویتی

در بیخ دانه‌ها دیده شد. در دست راست که می‌دید

و در بیخ دانه‌ها دیده شد. در دست راست که می‌دید

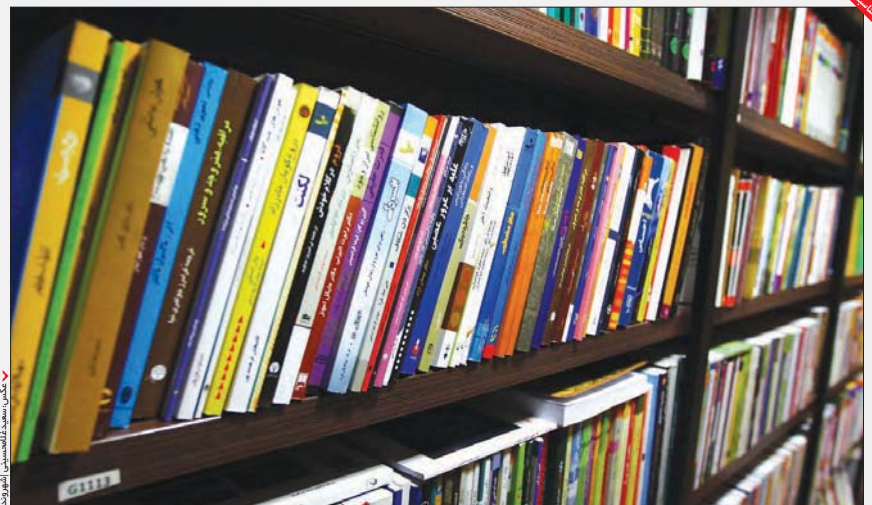


شاطر

مدارس مترو که ایمان، مبعث و کوثر در محل تلاقی دو خیابان مالک اشتر و دستغیب در منطقه ۱ شهر ابدی تهران که حدود یکسال به محل تجمع بی‌خانمان‌ها معتمدان و اراذل و اوباش تبدیل شده بود، توسط شهرداری تخریب شد.



مکانی که در زمان تخریب مدارس مترو بود



چالش کتابخوانی در فضای دیجیتال

علی‌ایا

نویسنده و مترجم



دیگران و خروج از آنجا و بیرون آمدن از جهان بی‌ربط و گسسته است. ذهن منتظر و پرانگیزه، جهان را منتظر و پرانگیزه و بی‌ارتباط بازسازی می‌کند و جهان یقه‌ای برایش بگنجه و می‌زبانپاجولوه می‌کند و تبلیغ شعر آملر ساختمانی نیست برای راه جستن و باقین راه‌حل‌های منطقی، نیازمند محتوای تازه مهمی از این کهن‌هاستیم که با افزایش بودجه قدرت فرم لگنکلی بود که در همان حوالی بر مای شریویتی

مصرف کنندگان است. معرفی کنندگانی که به‌توبوع و از چاره‌جویی عقب‌نشینی به تعبیری آسبر در باره کارگر نتوان کشید. همه‌قدر تشنگی باید چسبید. که به پناه کوششی خرد، این مقاله به یکی از علی است که به روشنی کتابخوانی منجر شده است، نظر می‌آورد. طرح هر پرسشی اگر نتواند به‌عینی خواننده کتاب را تواند در زمینه پاسخ، رشد کتابخوانی تأثیر گذارد و به‌خطمشی‌هایی منجر شود که روی آوری به کتاب و کتابخوانی را دامن می‌زند و موجب ارتقای شود این مقاله فرض را بر آن می‌گذارد که اهمیت رسیده کتابخوانی در دگر است و نیاز به عرضه استاندارد سازد. نکته در آنست که در باب کتاب‌سندها می‌گفت که این رسانه جهانی غیر فردی می‌باشد یعنی فرد را از انزوی خود خارج می‌سازد و به میدان گفت‌وگو و تبادل تفاهمی دعوت می‌کند. منظور از کتاب‌تولیدی از فرآیند خلاق فکری است که در قالب نوشتاری منتج می‌گردد. ما را از خود و جهان می‌گستراند و تازه می‌کند.

کتابخوانی دیجیتال و فضای مجازی در حیطه عمومی، عموماً و البته دایماً در قالب ابزارهای نوشتاری می‌گردد که با خود جز سرعت و گواهی پیام‌ها در قالب تنوع بر رسانه‌ها تحمیل نمی‌سازد. اکنون رسانه‌ها از دست دادن مخاطبان مجبورند به این چنین نیز بسازند. نکته در مطالب و تنوع بخشیدن به آنها برای بقا و رسانه‌ها در نگاه

دفتر ودیوان

دنیای خاکستری

سر بیاله پوشان که خره فوش آمد

به مثبت با منفی سون صفاتی چون رازداری بندیشید چه اتفاقی باعث می‌شود برخی افراد از رازداری که فی ذاته صفت مثبتی است، سوءاستفاده کرده و درصدد پنهانکاری از مردم حرکات زشت و ناپسند خود را نزدیکشان بیاورند. نظر من این است که همه صفات در سر جایی خود خوبی هستند. آنچه گونه که سمدعی می‌گوید، خوبی بودن با دان کردن چنان است که بد کردن به جای نیک‌مراس، برخی معتقدند قبل از رسیدن موفقیت نباید درباره جزئیات کارتان با دیگران سخن بگویید.



قلمی سرامی استاددایان

آثار اصلی بیت بالا پنهان کردن رازهاست. به نظر حافظ و قتی غیر بی‌صمت شما آمد رازها را پنهان کنید چرا که نباید ناخبر از رازهای شما مطلع شود. فرهنگ ایرانی در گذشته تاریخ (ننا بدلالی متعدد) به فرهنگ پنهانکاری تبدیل شده است. حدیث مشهور حضرت علی (ع) خود گواه این موضوع است. آن‌جا که می‌فرماید: «ستر ذکاوت جایی مگردد، وقت‌راست را (مقصود)، داراییات را دیدگاه‌هاست را دلیل چنین حدیثی را باید در نامطمع بودن فضای اجتماعی جست‌وجو کرد. در جوایم امروز، انسان‌ها صاف در جامعه احساس امنیتی ندارند که بخواهند از رفتار دیگران رازهایشان را دیدگان در میان بگذارند. خیلی از افراد می‌گویند، رازداری یکی از مستثنیات صفت آدمی است. می‌خواهم از وجه دیگری به این موضوع بگویم. رازداری تحت‌شرایطی می‌تواند از بدترین صفات هم باشد. خیلی از افراد خصوصاً مسوولان در جامعه به پناه رازداری، بدترین اتفاقاتی که در طول سال‌ها بر سر مردم آن سرزمین آمده را در حالی که چنان اثرات آنی در عرصه عمومی علمی می‌شود، می‌نواستیم. امیدوار باشیم سایر آدمیان از این اتفاق پند بگیرند. یکسار دیگر

امروز به چی فکر می‌کنی

تجاوز است

آرش خیراندیش | فعال محیط‌زیست

ذهنی من تبدیل شده است. اخیراً به یکی از شهرهای شمالی کشور سفر کردم. تغییرات نسبت به گذشته محسوس بود. زمین‌هایی که تا پیش از این کاربری کشاورزی داشتند، حالا از پوشش گیاهی شده بودند و گرد و خاک حاصل از خاک‌برداری جایگزین طبیعت سرسبز شده بود. نکته جالب این‌که تمام این اتفاقات از سوی افراد خاصی می‌انفد. برای بررسی این موضوع چندین اتفاقی اصلاً لازم نیست دانشجوی کشاورزی یا محیط‌زیست‌شناس بود. همه‌ما می‌دانیم فرآیند زمین در مناطق مختلف (به لحاظ طبیعی و بلندی و فاصله از سطح دریا، نزدیکی به کوه و یا براساس کاربری آن زمین‌ها) اتفاق می‌افتد. بنابراین برای تغییر ناگهانی کاربری زمین‌ها و افزایش بی‌بافت مسوولیتی در منطقه‌ای خاص، نمی‌توان نامی جز تجاوز را استفاده کرد.

شکل‌گیری هر یک از اتفاقات در فضای شهری و به‌طور کلی جامعه فارغ از این‌که آنها را به خوب و بد تقسیم کنیم، نیازمند وجود تعداد زیادی از علت‌هاست. آنچه در این مدت و طی این روزها ذهن مرا بیش از سایر اتفاقات به خود مشغول کرده برخوردی است که افراد جامعه ایرانی نسبت به حقوق دیگران از خود نشان می‌دهند. ممکن است برخی افراد گمان کنند رعایت‌کنندگان حقوق دیگران امری طبیعی است یا لائق در جامعه ما به رفتار عادی و همیشگی می‌باشد. شده اما تفاوت در مورد این اتفاق به این سادگی‌ها نیست. چرا که اتفاق‌های زیست دست هم می‌دهند تا در نهایت بروز چنین رفتاری در یک جامعه به امری به‌اطلاعات‌های تبدیل شود. بهتر است برای حل این پرسش‌ها و واگویی درون‌های مردم، جامعه محیط‌محیط‌محلی را در محیط‌زیست شروع کنیم. بنابراین این سوال مطرح می‌شود که رعایت‌کنندگان حقوق دیگران به چه نتیجه‌ای خواهد انجامید؟ بخشی از نتایج حاصله از این اقدامات، به‌عنوان مثال، می‌تواند افزایش آلودگی محیط‌زیست و مسوولیت‌های اجتماعی باشد. رعایت‌کنندگان حقوق در ارتقاء کمی در فضای محیط‌زیست و به‌طور کلی در رونق دادن قانون از جمله مشکلاتی هستند که می‌توانیم بزرگ آنها را نتیجه‌گیری کنیم. به‌عنوان مثال، به حقوق دیگران بدنامی امروز، دیروز، پریروز و حتی فردا خواهد بود. همین اتفاق می‌افتد. تغییر کاربری‌هایی که این روزها همه از کم و کیف آن آگاهی پیدا کرده‌ایم به دیگر مسوولیت